



در جستجوی

سعادت

نکته متوجه نموده‌اند که معرفت نفس، مایه پیروزی و موفقیت انسانها است و خود ناشناسی موجب سقوط و تباهی آنان است.

رسول اکرم (ص) فرموده است: "آنکس که قدر و ارزش خود را نمی‌شناسد وحد خود را رعایت نمی‌کند راه هلاکت و تباهی را میپیماید."

کسی که از بی معرفت نفس می‌رود و میخواهد خویشترن را از جمع جهات مادی و معنوی بشناسد و از آغاز و انجام خود آگاه گردد طبعاً با سئوالات گوناگون از این قبیل مواجه میشود: من کیستم؟ چگونه ساخته شده‌ام؟ کی مرا ساختند؟ از کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ در این دنیا چه می‌کنم؟ وظیفه من چیست؟ و به کجا می‌روم؟ و آیا پس مرگ دوباره زنده می‌گردم؟

روزها فکر من اینست و همه شب‌سخنم که چرا عاقل از احوال دل خویشترنم

ز کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمائی وطنم

مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا یا چه بوده است مرا دوی از این ساختنم

تا به تحقیق مرا منزل و ره نمائی یکدم آرام نگیرم نفسی دم نزنیم

دانشمندان در دنیای پیشرفته امروزی ضمن بررسی و تحقیق در مجموعه جهان و موالید آن به شناخت بشر نیز پرداخته‌اند و با کمک ابزارهای مادی یا استدلالهای عقلی و فلسفی، کم و بیش جسم و جان انسانرا مورد

روزها فکر من اینست و همه شب سخنم

که چرا عاقل از احوال دل خویشترنم

تمام انسانها از هر ملت و هر نژاد به انگیزه حب ذات و کوشش فطری طالب سعادتند و برای نیل بدان تلاش و کوشش میکنند. ولی اغلب نمیدانند که سعادت واقعی در چیست و راه وصول بدان کدام است حتی بسیاری از فلاسفه و دانشمندان در شناخت سعادت به کجروی و گمراهی دچار شده و دچار تشتت آراء در بین خود گشته‌اند. بعضی سعادت بشر را در کامکاری و لذت پنداشته‌اند و بعضی در مال اندوزی و ثروت. برخی مقام و قدرت را موجب سعادت دانسته و برخی جاه و محبوبیت را.

گروهی سعادت بشری را در علم و اخلاق جستجو کرده‌اند و گروهی در زهد و ریاضت و این اختلاف نظرها را آنجهت است که اغلب انسانرا نشناخته‌اند و بجهت درونی و بیرونی آنطور که باید بی نبرده‌اند.

کسیکه خواهان سعادت است باید خود را بشناسد. از ذخایر درونی و بیرونی خویش آگاه گردد، طبق سنن آفرینش قدم بردارد، کلیه جهات مادی و معنوی را مورد توجه قرار دهد، تمایلات انسانی و عرائز حیوانی را به موازات هم با رعایت تعادل و موازنه اقیاع نماید، و این خود برنامه اسلام و راه و رسم مسلمانان راستین و دین‌شناس است.

اولیاء گرامی اسلام ضمن روایات متعددی اهمیت و ارزش خودشناسی را تذکر داده و بیروان خویش را به این

مطالعه قرار داده و تا اندازه‌ای به رموز و اسرارش واقف شده‌اند. ولی هدف آنان در این جستجو و کاوش، بی بردن به جهات مادی و بهبود بخشیدن بزندگی دنیوی انسان بوده و جنبه‌های معنوی و روحانیش مورد توجه قرار نگرفته است. بهمین جهت تاکنون آدمی را آنطور که باید نشناخته‌اند و به ارزش واقعیش پی نبرده‌اند.

انسان، در مکتب پیامبران الهی موجودی است بلند پایه و رفیع و مقامش برتر و بالاتر از تمام موالید جهان مادی است او حاوی روح خدا، حاصل امانت پروردگار و جانشین حضرت حق است. خالق توانا و آزاد آفریده، جهان را مسخر و مقهور وی ساخته، و به فرشتگان فرمان داده است این مخلوقات عالیقدر و بزرگواری را سجده کنند. اگر انسان خود را بشناسد و به ارزش واقعی خویش واقف گردد و در مسیر تعالی قدم بردارد به عالیترین مدارج کمال نائل میگردد. اگر خود را فراموش کند، شأن انسانیت خویش را سرکوب نماید، و به انحطاط و دنائت گرایش یابد از هر پستی پست‌تر میگردد، قرآن شریف در این باره فرموده است.

"لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم، ثم ردناه اسفل سافلين، الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات قلهم اجر غير ممنون" ما انسانرا در بهترین سازمان آفریده‌ایم. سپس به کیفر ناپاکی و زشتکاری به پست‌ترین مرتبه‌اش بر میگردد انیم مگر افراد با ایمان و درستکار که دچار سقوط نمیشوند و از یادش دائم و بی‌منت باری تعالی برخوردارند. (سوره ۹۵ آیه‌های ۶-۴)

در مکاتب مادی، برعکس مکتب الهی، انسان حقیر شده، انسانیت بافعال گردیده، و آدمی از مقام رفیع انسانی به حضیف حیوانیت تنزل یافته است. مادیون انسان را پدیده‌های صدمه‌مادی می‌دانند. او را تنها از دیدگاه مادی می‌نگرند، عقل، وجدان اخلاقی و تمایلات عالی انسانیت را معلول تضاد و اتفاق و ناشی از طبیعت کور و بی‌شعور میدانند و میخواهند تمام ابعاد وجود او را با معیارهای مادی توحیوتیبن نمایند. نتیجه این برداشت غلط و غیر واقعی آن شده است که هم‌اکنون در دنیای ما افراد بسیاری با آنکه درس خوانده و تحصیل کرده‌اند درباره انسان دچار خطا و اشتباه کردند. گروهی از آنان جمیع شکون روحی و جسمی بشر را وابسته به شأن اقتصادی دانسته و مردم را بمنزله ابزار تولید گمان کرده‌اند. و گروه

دیگر غریزه جنسی را در حیات بشر مهمترین پایگاه تلقی نموده و لذت‌گرایی را عالیترین هدف در زندگی انسان شناخته‌اند و بر اثر این اشتباه بزرگ و خطای گمراه‌کننده، انسانیت و سجایای انسانی را بدست فراموشی سپردند و بشر را به راه فساد و تباهی سوق دادند.

درس خواندن و علم اندوختن غیر از خودشناسی است و دانشمند شدن غیر از خود آگاهی است. چه بسیار اشخاص که در رشته‌های مختلف علوم تحصیل کرده و مدارج عالی دانش را بی‌موده‌اند ولی خود را نمی‌شناسند. به انسانیت خویش واقف نیستند و از کارهای پلید و گفتار و رفتار غیر انسانی پاک ندارند. و بر عکس افراد بسیاری یافت میشوند که فاقد معلومات درسی و دانشگاهی هستند لکن در برتو تعالیم الهی و آموزش‌های رهبران روحانی خود را شناخته‌اند و میدانند که انسانند، بر اثر معرفت نفس و خود آگاهی، اصول پاکی و فضیلت را همواره رعایت مینمایند، از اعمال غیر انسانی اجتناب میکنند و انسانیت خویش را به هیچ قیمت از دست نمیدهند.

علی علیه السلام فرموده است: "کسیکه به مقام انسانی و شرافت معنوی خود واقف است خویشتن را از شهوات پست و آرزوهای باطل و ناروا مصون میدارد." سعادت و رستگاری هر انسانی در نهاد خود اوست و عامل بدبختی و انحطاطش نیز خود اوست.

بدون تردید، انسانیت با آزادی شهوات، بی‌فید و بندی عراض و پیروی از هوای نفس، ناسازگار است. کسیکه میخواهد انسان باشد، و به کمال لایق انسانی نائل گردد باید خود را بشناسد، بتزکیه نفس بپردازد، مانع اراده خود گردد، عراض حیوانی را با نیروی عقل و وجدان مهار نماید، خواهشهای نفسانی را در حدود مصلحت و فضیلت برآورده سازد و از کامجویی‌هاییکه منافی با شأن انسان است چشم ببوید، و گرنه به پستی و انحطاط میکراید و رفته رفته دچار سقوط و تباهی میشود.

در پایان با ذکر فرموده قرآن شریف مطلب را به پایان میرسیم در حالیکه این سخن خداوند را نصب العین خود قرار داده و همواره به ذکر و یاد خدا باشیم. "شما از آن گروه نباشید که خدا را از یاد بردند و خدا هم بکیفر این گناه بزرگ، آنانرا از یاد خودشان برد و بجرم فراموشی مجازاتشان کرد که اینان گناهکاران و منحرفین از مسیر حق و عدالتند." (سوره ۵۱ آیه ۱۹).